

آمریکا همزمان با حملات به یمن درحال کاهش شدید نیروهای خود در سوریه است

دومینوی خبرهای بد برای اسرائیل



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا درحال کاهش نیروهای خود در سوریه است، همزمان با حملات هوایی به یمن زمزمه‌هایی از توطئه برای حمله زمینی به این کشور شنیده می‌شود و عراق نیز به صحنه نقل و انتقالات گسترده نظامی واشنگتن تبدیل شده است. براساس گزارش روزنامه «نیویورکتایمز» ارتش آمریکا سه پایگاه عملیاتی خود از مجموع هشت پایگاه را بسته است. گفته می‌شود در پی مجموعه خروح‌های صورت گرفته تعداد نیروهای آمریکایی در سوریه از ۲۵۰۰ نفر به ۱۴۰۰ نفر کاهش یافته‌اند.

منابع محلی گزارش داده‌اند نیروهای آمریکایی قصد دارند دو پایگاه «کونیکو» و «العمر» واقع در حومه شرقی استان دیرالزور را هم ترک کنند. این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که پایگاه العمر، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی نیروهای آمریکایی در سوریه به‌شمار می‌رود و درکنار یکی از بزرگ‌ترین میادین نفتی این کشور واقع شده است. ترک بزرگ‌ترین پایگاه آن هم در مجاورت میادین با ارزش اقتصادی می‌تواند نشانه‌ای از ترک کامل یا عمده قوای آمریکا از سوریه باشد. همزمان با این تحولات، تحرکات دیگری نیز از ارتش آمریکا در عراق و یمن دیده می‌شود.

دلایل کاهش نیروها در سوریه

هنوز مشخص نیست که آیا آمریکا قرار است از سوریه خارج شود یا آنکه می‌خواهد بخشی از نیروهای خود را در این کشور حفظ کند. با این حال می‌توان با درنظر گرفتن احتمالات مختلف، اهداف و دلایل آمریکا را شناسایی کرد.

۱ فعال‌سازی داعش

نواحی شمالی بین‌النهرین- که به‌صورت تاریخی «جزیره» نامیده می‌شوند و مناطقی حول موصل تا قوه را در بر می‌گیرند- محل اصلی فعالیت داعشند. استقرار نیروهای آمریکایی در سوریه و عراق منطبق بر این محدوده است.

آمریکا هر چند به بهانه مقابله با داعش نیروهای خود را در این مناطق مستقر کسرد، اما از حضورش برای حفظ بقایای این گروه تروریستی بهره برد. این احتمال وجود دارد که آمریکا قصد داشته باشد با خروج از برخی مناطق در شرق سوریه، داعش را در این بخش‌ها فعال کند.

نوع بمباران‌های آمریکا اندکی پیش‌وپس از سقوط اسد، نقشه‌های واشنگتن برای فعال کردن تروریست‌ها را آشکار ساخت. بهانه واشنگتن برای مبادرت به این بمباران‌ها ممانعت از سوءاستفاده داعش از شرایط پیش‌آمده بود، اما این حملات بیشتر بر هدف قرار دادن پایگاه‌های سوریه متمرکز شد. تخریب پایگاه‌های عمده و بلااستفاده‌شدن آن برای دولت‌های مرکزی و قوای بزرگشان، می‌توانست زمینه‌ای برای بهره‌برداری گروه‌های تروریستی ایجاد کند.

تخریب پایگاه‌های بزرگ مانع از استقرار گسترده نیروهای دولت مرکزی در شرق می‌شد. در فقدان این پایگاه‌ها تعداد نیروی اندک و با تجهیزات کم می‌توانست در مناطق شرقی مستقر شود که این امر خود زمینه‌ساز آزادی فعالیت داعش را فراهم می‌آورد.

۲ تشدید درگیری‌های داخلی در سوریه

مهم‌ترین سپر کردها در شرق فرات استقرار ارتش آمریکاست. این احتمال می‌رود که با خروج آمریکا از برخی مناطق، جلوانی را تروریست‌های متحد او تحریک شوند تا به کردها در این مناطق حمله کنند. چنین اتفاقی روند فرسایش سوریه را تداوم می‌بخشد.

۳ درگیرسازی ترکیه و منحرف شدنش از جنوب

و مرزهای رژیم صهیونیستی

اگر حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم آمریکا از کردها نبود ترکیه طی سال‌های گذشته می‌توانست راحت‌تر آن‌ها را در سوریه هدف قرار دهد. با خروج آمریکا این فرصت برای ترکیه و گروه تروریستی «ارتش ملی سوریه» فراهم خواهد شد تا دست به عملیات‌های نظامی بیشتری در شرق فرات بزنند.

در این صورت توان ترکیه برای استقرار در مناطق مرکزی و جنوبی- که نزدیک به سرزمین‌های اشغالی‌اند- کاهش می‌یابد. نباید از نظر دور داشت که احتمالاً نقشه‌ای کلان برای فرسودن توان ترکیه در سوریه وجود دارد، از این رو باید تحولات در جریان را از این منظر نیز مورد بررسی قرار داد.

۴ احاله مسئولیت از طریق تحریک دیگران به حضور

تا زمانی که آمریکا در سوریه مستقر باشد، دیگر کشورها برای مصالح امنیتی خود حاضر به ورود در این کشور نخواهند بود، زیرا حضور واشنگتن کم‌وبیش این مصالح را برای آن‌ها تأمین می‌کند. خروج آمریکا می‌تواند باعث دامن زدن به گسترش نفوذ ترکیه در سوریه شود و بازیگران منطقه‌ای را تحریک کند برای مهار آنکارا وارد سوریه شوند. منظور از این حضور، حضوری مستقیم نیست، بلکه آن‌ها با توان امنیتی و مالی خود دست به حمایت از گروه‌های موجود در سوریه بزنند تا از این طریق موانعی دربرابر ترکیه ایجاد شود.

۵ از کار افتادن مسیر ایران- سوریه

در زمان استقرار نظام پیشین سوریه برای ایران مهم بود که بتواند از طریق عراق به این کشور نیرو و تدارکات ارسال کند. آمریکا برای اختلال در این سیاست، در شرق سوریه مستقر شده بود. با سقوط اسد این مسیر ازکارافتاده و

ضرورتی برای استقرار نظامی جهت اختلال در آن وجود ندارد.

۶ کاهش انگیزه برای حصر اقتصادی دولت دمشق

در دوره اسد، آمریکا با استقرار در شرق فرات باعث شد دولت مرکزی مستقر در دمشق از درآمدهای نفت و گاز این منطقه و همچنین محصولات کشاورزی‌اش مانند گندم محروم شود. با وجود محرومیت دولت سوریه از مزایای مستقیم، اما دمشق با پرداخت پول از گروه‌های محلی ازجمله کردها گندم خریداری می‌کرد. حلقه تحریم‌ها با قانون قبصر به‌اندازهای تنگ شد که این امکان نیز برای دولت سوریه از بین رفت.

۷ تصویرسازی از تل آویو به‌عنوان مانع حضور قدرت‌های

غیرعرب در سوریه

این احتمال وجود دارد که آمریکا و صهیونیست‌ها بخواهند به شکل فربیکارانه‌ای رژیم را در قالب یک کارکرد جمعی منطقه‌ای جاگذاری کنند. دولت‌های عربی معتقدند سوریه کشوری عربی است و دیگران به‌ویژه رقبای منطقه‌ای دولت‌های برجسته جهان عرب نبایدست در آن دخالت کنند. در زمان حضور ایران، صهیونیست‌ها مواضع ایران را بمباران کرده و هم امروزه نیز در حال بمباران مناطق احتمالی حضور ترکیه‌اند تا آنکارا را از حضور در آن‌ها منصرف سازند. این احتمال وجود دارد که آمریکا با خروج از شرق فرات تصمیم گرفته باشد حملات هوایی به این منطقه را به صهیونیست‌ها واگذارد کند؛ چه اینکه تل‌آویوس از سقوط اسد نیز بارها مواضعی را در این مناطق بمباران کرده است. تبدیل شدن رژیم صهیونیستی به یک بالانس‌کننده قدرت در سوریه که به نفع دولت‌های عربی عمل می‌کند، می‌تواند یکی از عوامل محرک در عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی باشد.

۸ کاهش استقرار پلیسی

آمریکا مدت‌هاست در تلاش است تا استقرار جنگی و پلیسی خود را در جهان کاهش دهد. واشنگتن استمرار حضور در پایگاه‌های بزرگ و راهبردی نظامی را می‌پسندد اما نمی‌خواهد این پایگاه‌ها در حال جنگ باشند یا به نواحی دوردست گشتی اعزام کنند. طی چند سال اخیر آمریکا فعالیت‌های جنگی خود در افغانستان، لیبی، عراق و سوریه را به شدت کاهش داده؛ در مواردی مانند افغانستان و لیبی انجام عملیات متوقف شده و در سوریه و عراق نیز صرفاً فعالیت‌های هوایی صورت می‌گیرند. در سوریه اما فعالیت‌های پلیسی همچنان باقی است، به گونه‌ای که کاروان‌های زرهی ارتش آمریکا به‌سלادگی هرچه‌تمام‌تر، با پوشش هوایی سبک بالگردها یا پهپادها همانند یگان‌های پلیس یک کشور، در مناطق شرق سوریه گشت‌زنی می‌کنند. این گشت‌زنی‌ها نه مصالحی برای آمریکا در پی دارد و نه در شش‌ان قدرت و جایگاه نظامی آن است درحالی‌که هزینه‌های کلان و خطرات فراوانی دارد.

در افغانستان این سیاست به خوبی مشخص است. طی توافق دولت اول ترامپ با طالبان، قرار بود پس از عقب‌نشینی آمریکا از افغانستان ارتش این کشور همچنان در پایگاه بگرام بماند. در عراق نیز این کشور به‌طور عمده در دو پایگاه عین‌الاسد در غرب و الحیر در شمال باقی مانده است. اگر از نظر ارزش و توانمندی نظامی ارزیابی شود، اساس قدرت نظامی آمریکا در پایگاه عین‌الاسد متمرکز است.

اگر آمریکا قصد داشت با عقب‌نشینی از تمام افغانستان صرفاً در پایگاه بزرگ و راهبردی بگرام مستقر شود، این قضیه می‌تواند یک الگو در دیگر بخش‌ها نیز باشد؛ عقب‌نشینی از زوخوردهای نظامی پراکنده، تخلیه پایگاه‌های کوچک،

متوقف کردن فعالیت‌های پلیسی با یگان‌های ارتش و به‌جای آن «تمرکز در تک پایگاه‌های نظامی عظیم با ارزش راهبردی.»

۹ اتکا به عملیات هواییه

استدلالی که برای خروج نظامیان آمریکایی از سوریه بیان‌شده، انکای این کشور به توان هوایی برای عملیات علی‌رغم حضور یگان‌های پیاده ارتش در این کشور است. اتکا به این توان تقریباً بخش اعظم نیازهای آمریکا را پوشش می‌دهد و با وجود هزینه‌های بالا، مبلغ ششم‌دهم بسیار کمتر از نگهداری تیپ و لشکر در پهنه سرزمینی سوریه است، از سوی دیگر ریسک جانی نیز ندارد.

یمن

اگر در پرونده سوریه ارتش آمریکا در حال کاهش نیروست، در یمن وارد جنگ هوایی و دریایی شده‌است. با این حال در قضیه یمن آمریکا واکنشی عمل می‌کند. در سوریه، نظام اسد تهدیدی تهاجمی علیه منافع آمریکا نبود و واشنگتن برای سوءاستفاده از اوضاع داخلی این کشور در شرق فرات مستقر شد. در قضیه یمن اما ارتش این کشور با حمله به خطوط دریایی رژیم صهیونیستی، اعتبار انحصاری نظارت و کنترل بر دریاها را از دستشان آمریکا خارج کرده و علاوه بر اعمال فشار تجاری به تل‌آویو، با موشک و پهپاد مستقیماً به سرزمین‌های اشغالی حمله می‌کند. هر دو مسئله فشارهای مختلفی به واشنگتن وارد کرده است. درخصوص تحولات نظامی یمن نکاتی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

۱ نتیجه معکوس

ترامپ تصمیم گرفت با آغاز دور جدیدی از حملات به یمن، به هراس در ایران و چین دامن بزند. معنای حملات به یمن برای ایران ششامل دو موضوع بود؛ نخست آنکه یمن به‌عنوان یکی از متحدان منطقه‌ای ایران تضعیف شده و شرایط برای اعمال فشار مستقیم به تهران مهیاتر خواهد شد. دومین موضوع به یک نمایش مینیاوتوری بازمی‌گشت. آمریکا قصد داشت با حمله به تأسیسات تولید و ذخیره‌سازی موشک در یمن به‌ویژه با بمب افکن‌های بی-۲، یک شبیه‌سازی از انجام حمله علیه تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران انجام دهد. تهدید علیه چین نیز نشان دادن تسلط امنیتی آمریکا بر ابراهه‌ها و توانایی تهاجمی آن بود. در نخستین سال‌های قرن بیست‌ویکم- که توانایی نظامی و اقتصادی چین در حال‌رشد بود- اشغال عراق مجدداً به همه توان تهاجمی عظیم آمریکا را یادآوری کرد.

ناکامی آمریکا در کسب دستاوردی قابل اعتنا در جنگ یمن اما باعث شده این موضوع اثبات شود که آمریکا دیگر قادر به نبردهای مؤثر در دوردست نیست و در نتیجه نخواهد توانست دست‌کم در کوتاه‌مدت برای جنگ با ایران آماده شود.

۲ منشأ اشتقاق

برخی در دولت آمریکا جنگ در یمن را بیشتر از آنکه در قالب منافع کشورشان تشخیص دهند، در راستای منافع اروپا و دیگر بازیگران ارزیابی کرده‌اند. برخی حت‌ها درسوایی اپلیکیشن سبکبال این قضیه را آشکار ساخت. در این رسوایی، اعضای عالی‌رتبه دولت ترامپ از جمله مشاور امنیت ملی و وزیر دفاع با تشکیل گروهی در برنامه سبکبال درباره جنگ یمن بحث می‌کردند، آن هم درحالی‌که به‌اشتباه سردبیر نشریه اتلانتیک نیز به این گروه اضافه شده بود. بحث‌هایی که نشریه اتلانتیک از این گفت‌وگو منتشر کرد نشان داد فردی مانند معاون رئیس‌جمهور مخالف عملیات در یمن است، زیرا آن را بیشتر در

راستسای منافع اروپا می‌داند. این احساس در جامعه و ساختار آمریکا وجود دارد که طرف‌های خارجی چه متحد و چه رقیب در حال استفاده و بهره‌گیری از توان آمریکا به نفع خود و به زیان واشنگتن هستند. این احساس به‌طور خاص در میان طرفداران و تیم ترامپ نیز وجود دارد.

۳ ناامن‌کننده منافع منطقه‌ای آمریکا

حمله آمریکا به یمن باعث شده فضایی برای حمله متقابل یمنی‌ها به منافع این کشور در منطقه ایجاد شود. از این روست که یمن علاوه بر حمله به خطوط دریایی آمریکا و تهدید به احتمال حمله‌اش به پایگاه‌های واشنگتن در خاک کشورهایمانند عربستان و امارات حتی هشدار داده که در جریان سفر قریب‌الوقوع ترامپ به منطقه، درصدد ناامن‌سازی این سفر برخواهد آمد.

عراق

عراق در روزهای اخیر شاهد نقل و انتقالات گسترده نظامی بوده است. بخشی از این نقل و انتقالات به خروج نیروهای آمریکایی از سوریه مربوط است. این نیروها در مسیر خروج وارد عراق شده‌اند. بخش دیگر این تحرکات ناشی از ارسال نیرو و تجهیزات از پایگاه‌های آمریکا از مرکز و شمال عراق به پایگاه عین‌الاسد است. گفته می‌شود نیروها و تجهیزاتی از کویت نیز وارد این پایگاه شده‌اند. اهداف اصلی چنین تحرکاتی مشخص نیست، اما می‌تواند منطبق بر الگوی «تجمع در تک پایگاه‌های عظیم با ارزش راهبردی» باشد.

نکات

۱ حضور منطقه‌ای آمریکا از سوریه تا عراق و افغانستان شاید شباهت‌هایی با یکدیگر داشته باشند اما پرونده یمن شکلی مجزا از پرونده‌های منطقه‌ای دارد. از نظر جایگاه نظارتی بر دریاها، دسترسی به ابزارها و اراده استفاده از آن‌ها یمن موقعیت ویژه‌ای یافته است.

۲ یمن شدن حضور نظامی آمریکا در منطقه نشان دهنده استفاده عملیاتی آمریکا از پایگاه‌های بزرگ خود در منطقه برای جنگ است درحالی‌که برچیده شدن آن‌ها و تمرکزش در پایگاه‌های بزرگ می‌تواند یک اقدام برای کاهش احساس خطر بازیگران از استقرار نظامی واشنگتن در منطقه باشد. این حضور همچنان خطرات خود را برای بازیگران منطقه‌ای دارد، اما محدود شدنش به پایگاه‌های بزرگ حاوی این معناست که هدف آمریکا نه تهاجم بلکه بیشتر اعمال بازدارندگی است.

۳ عقب‌نشینی از پهنه‌ای از منطقه و استقرار در تعداد معدودی پایگاه بزرگ نیازمند لوازمی از جمله مذاکرات منطقه‌ای است. گفت‌وگوهای مختلف بازیگران منطقه‌ای با یکدیگر که همزمان با فعالیت‌های دیپلماتیک آمریکاست این مسئله را نشان می‌دهد.

۴ آدرس چند شعار دولت آمریکا به غرب آسیا بازمی‌گردد. متوقف شدن حضور پلیسی در جهان، پایان بخشیدن به جنگ‌های بی‌انتهای تداوم بخشیدن به هژمونی، بازسازی اقتصادی و مهار چین همه ریشه‌هایی در غرب آسیا دارند.

برای مهار چین باید نفوذ آمریکا در غرب آسیا به میزانی برسد که پکن قادر به عبور از آن برای جذب منطقه و رسیدن به اروپا نباشد. همچنین این نفوذ باید به‌گونه‌ای باشد که آمریکا با کاهش هزینه‌های نظامی خود در غرب آسیا، فرصت انتقال بیشتر قوای خود به شرق آسیا را بیابد.